

Religious Dignity Based on the Necessity to Establish the Islamic Government in the Age of Absence¹

Mohammadali Moeel

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Imam Hossein University of Officer Training and Guard Training, Tehran, Iran. alimoeel@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to review religious dignity based on the necessity to establish the Islamic government in the Age of Absence. The research method is descriptive-analytic and the results showed that the perfect and civilized religion of Islam has profound instructions in its disciplines entitled as Fiqh in order to provide and expand individual and social dignity of Muslims and Islamic societies. In this regard, some aspects including the necessity to establish the Islamic government have not been considered from this perspective. Religious governance with its extensive thematic inclusion has a decisive influence to preserve the spiritual dignity and also maintains and improves the honor and independence of Muslims and Islamic societies. The concept of religious dignity has a potential to be considered as a new jurisprudential basis and reason to determine the necessity to set up the Islamic government in the Age of Absence.

Keywords: Religious Dignity, Political Dignity, Islamic Government, Age of Absence, Principle of Nafy-e Sabil.

¹ Received: ۲۰۲۱-۰۴-۰۴; Revised: ۲۰۲۱-۰۵-۲۶; Accepted: ۲۰۲۱-۰۶-۱۳; Published online: ۲۰۲۲-۱۲-۲۲

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University

© the author(s)



عزت دینی بر مبنای لزوم تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت^۲

محمدعلی معیل

استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، تهران، ایران. alimoeel@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی عزت دینی بر مبنای لزوم تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که دین کامل و تمدن‌ساز اسلام در مجموعه دستوراتش تحت عنوان فقه، برای تأمین و گسترش عزت فردی و اجتماعی مسلمین و جوامع اسلامی معارف عمیقی دارد که تاکنون از این دیدگاه به آن نگریسته نشده است؛ از جمله لزوم تشکیل حکومت اسلامی بر این مبنا است. حکومت دینی، با شمول موضوعی گسترده، نقش تعیین‌کننده‌ای در صیانت از حیثیات معنوی ایفا می‌کند و نیز در سطح کلان، باعث حفظ و ارتقای عزت و استقلال مسلمانان و جامعه اسلامی خواهد شد. مفهوم عزت دینی، این ظرفیت را دارد که به‌عنوان یک مبنا و دلیل فقهی جدید برای لزوم تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت باشد.

کلیدواژه‌ها: عزت دینی، عزت سیاسی، حکومت اسلامی، عصر غیبت، قاعده نفی سبیل.

^۲ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰-۰۱-۱۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰-۰۳-۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰-۰۳-۲۴؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۱-۱۰-۰۱

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

© نویسندگان.



مقدمه

مفهوم «عزت» از مفاهیم دینی و مأخوذ از معارف قرآنی است، که در آموزه‌های دین مبین اسلام مورد تأکید می‌باشد؛ «عزت» از جمله صفاتی است که خداوند در قرآن کریم، به کرات به خود نسبت داده و خود را «عزیز» خوانده است. لفظ «عزت» و مشتقات آن بیش از ۱۲۰ مورد در قرآن کریم تکرار شده است. توحید ناب چنین فتوا می‌دهد، که تمام کمال‌ها و جلال‌های واقعی از خداوند متعال ناشی شده است و به همان ذات ربوبی برمی‌گردد و هر شیء یا شخصی که کامل یا جلیل شد، آیتی از اسمای حسناى خدا در اوصاف مزبور خواهد بود. لذا، قرآن کریم در عین اثبات عزت برای خداوند و رسول اکرم (ص) و مؤمنان: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»؛ آن را در سه جای قرآن کریم منحصرأ از آن خدای سبحان می‌دلند تا ثابت نماید، دیگران که از فیض عزت برخوردارند و از فوز عزت متنعم‌اند، آینه‌دار خدای عزیزند؛ «فانَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً». به عبارت دیگر، عزت واقعی، کامل و پایدار، از آن جبهه خدایی در مقابل جبهه باطل (شیطان و ائمه کفر) می‌باشد و این منطق قرآن است که دو پیام مهم دارد:

۱. عزت واقعی دارای منشأ الهی بوده و اختیار عطای آن به انسان‌ها در ید قدرت اوست؛
۲. انسان‌ها و مسلمانان، عزت واقعی را باید از خداوند متعال طلب کنند نه کس دیگری.

از بررسی آیات و روایات در می‌یابیم که عزت، یکی از نیازهای اساسی انسان است و خداوند آن را به‌عنوان یکی از گرایش‌های فطری در وجود انسان قرار داده است. از این‌روست که در وجود هر فردی، در همه اعصار و امصار دیده می‌شود. انسانی که برای خود عزت قائل است، از بسیاری از آفات و آلودگی‌ها دور می‌ماند و جامعه هم اگر برای خود، خواهان عزت باشد، به سمت رشد حرکت می‌کند. لذا عزت، فضیلتی است که در امور مادی و معنوی، باعث رشد و دوری از سقوط می‌گردد.

اگر از زاویه دیگر نگاه کنیم، عزت هدیه‌ای الهی است که از راه عبودیت و بندگی خدا به دست می‌آید و اصولاً عزت در بندگی خداست. به همین دلیل، امیرمؤمنان (ع) نهایت عزت خود را در بنده خدا بودن می‌داند: «الهی کفی بی عزاً أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۲۰).

انقلاب کبیر اسلامی ایران در حالی وارد دهه پنجم حیات خود گشته است که گرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند؛ اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند. در چنین نقطه عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب»، یک منشور برای اقدامات و حرکات بعدی ترسیم فرمودند. حتی اگر روح حاکم بر بیانیه گام دوم انقلاب را ترسیم راهبردی در جهت عزت هرچه بیشتر نظام اسلامی ایران به‌عنوان الگوی اسلامی پیشرفت ندانیم، قطعاً یکی از ارکان اصلی این بیانیه، مؤلفه عزت روز افزون ملت و کشور در قالب این نقشه راه است. فراوانی واژه عزت، در جای‌جای این بیانیه مهم مؤید این مطلب است.

«قاعده نفی سبیل» و «آیات عزت»^۳، از جمله اصولی هستند که در روابط جامعه اسلامی با جامعه بین‌الملل، نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و به‌عنوان شاخصی مطمئن برای تعدیل و تنظیم روابط یادشده به کار می‌رود. از طرفی تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت، راهکاری بسیار مناسب است که برون‌رفت از سلطه بیگانه را فراهم می‌نماید و نیز در سطح کلان، حافظ استقلال، عزت و شرافت جامعه اسلامی است. اگر عزت به معنای «تحمیل هیچ‌کس را قبول نکردن باشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۴/۱۸)، تمام آیاتی که به عزت مسلمین تصریح یا اشاره دارد، می‌توانند اساس تشکیل حکومت اسلامی باشند (برای نمونه: منافقون، ۸؛ محمد، ۳۵؛ نساء، ۱۳۹؛ ممتحنه، ۱).

توجه به این آیات که جایگاه مهمی در فقه شیعه دارد، نقش بسزایی در حفظ و حراست استقلال و عزت اسلام و مسلمانان در ابعاد اقتصادی، سیاسی و... دارد و در صورت عملی شدن مفاد آن، بیگانگان، کوچک‌ترین راه نفوذی بر مسلمانان پیدا نمی‌کنند. در اهمیت بحث از این قاعده مهم فقهی همین بس که اصول مهمی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن مبتنی است؛ به طور مثال در اصل ۱۵۲ قانون اساسی آمده است: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است». همچنین در اصل ۱۵۳ بیان شده است: «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است». برخی، مفاد این آیات را مهم‌ترین اصل سیاست خارجی دولت اسلامی می‌دانند (ر.ک: حقیقت، ۱۳۷۶، ص ۲۹۹)؛ و عده‌ای معتقدند این آیات، زیربنای اصل «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» است (ر.ک: محمدی، ۱۳۷۷، ص ۴۳-۴۱). اصل «نه شرقی، نه غربی» به معنای نفی همه وابستگی‌ها و ایمان به داشته‌هاست. این اصل، استراتژی نظام جمهوری اسلامی در راستای تحقق استقلال و عزت است.

با توجه به مطالبی که مطرح شد، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است، که چگونه بر مبنای لزوم تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت، عزت دینی تأمین می‌گردد؟ قرآن کریم تبعیت از اولیای کفر و نیز انجام معاصی و گناهان را مستمسک عده‌ای برای رسیدن به عزت معرفی کرده است (ر.ک: نساء، ۱۳۹؛ بقره، ۲۰۶) و بیان می‌دارد که این راه‌ها هیچ‌گاه نمی‌توانند عزت واقعی و پلیدار را برای انسان به‌همراه بیاورد. در این راستا، پژوهش حاضر در یک نگاه دقیق‌تر به مسئله و با تفکیک عزت اسلامی، به دنبال کاربردی کردن بیشتر موضوع پژوهش است.

۳. آیه نفی سبیل «...لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ خدا هرگز برای کافران راهی [برای تسلط] بر مؤمنان ننهاده است» (نساء، ۱۴۱). آیات عزت مسلمین (برای نمونه: منافقون، ۸؛ محمد، ۳۵؛ نساء، ۱۳۹؛ ممتحنه، ۱)، آیات منع ارتباط دوستی و سرپرستی بیگانگان (برای نمونه: آل‌عمران، ۲۸) است.

مفاهیم پژوهش

عزت

«عزت» در لغت، یعنی شکست‌ناپذیری و حالتی که مانع مغلوب شدن انسان می‌شود و چون این مفهوم به شکست‌ناپذیری اشاره دارد، پس، در معانی دیگر همچون غلبه، صعوبت، سختی، غیرت و حمیت نیز استعمال می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۳۲). عزت در فرهنگ قرآنی، عبارت است از: «در دسترس نبودن، شکست‌ناپذیری و نفوذناپذیری قوم یا رئیس قوم، حلت نفوذناپذیری است که مانع مغلوب شدن است» (جوادی آملی، ۱۳۸۵ب، ص ۳۶۹). آیت‌الله خامنه‌ای در تعریف عزت می‌گویند: «عزت به معنای ساخت مستحکم درونی یک فرد یا یک جامعه است که او را در مقابله با دشمن، در مقابله با موانع، دارای اقتدار می‌کند و بر چالش‌ها غلبه می‌بخشد. وقتی که عزت شامل حال یک انسان، یک فرد یا یک جامعه می‌شود، مثل یک حصار عمل می‌کند؛ مثل یک باروی مستحکم عمل می‌کند؛ نفوذ در او، محاصره او [و] نابود کردن او، برای دشمنان دشوار می‌شود؛ انسان را از نفوذ و غلبه دشمن محفوظ نگاه می‌دارد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۳/۱۴).

علاوه بر این، یکی از راه‌های پی بردن به معنای دقیق یک لفظ، بررسی معانی متضاد آن است؛ کما اینکه گفته شده است، که «تعرف الأشياء باضدادها». از همین رو است که برخی از محققین با در نظر گرفتن معنای ذلت، سعی در تعریف و نمیلندن معنای عزت نموده‌اند: «ذلت یک معنا دارد و آن حقارت و کوچکی در برابر آنچه برتر از اوست؛ همان‌طور که عزت، برتری و چیرگی نسبت به دیگران است که از او پایین‌تر است و هر دوی این صفات در نفس حاصل می‌شوند» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۳۰۵).

حکومت^۲

حکومت به معنی فرمانروایی و حکمرانی است و اگر با صفتی به کار رود، برای بیان نوع رژیم سیاسی است (آشوری، ۱۳۷۳، ص ۱۴۱)؛ چنانچه گفته می‌شود: حکومت پارلمانی، حکومت سلطنتی. حکومت پدیده‌ای اجتماعی است، که نیاز جامعه به امنیت، حفظ حقوق، عزت و ترویج عدالت، آن را ایجاد می‌کند (فضلی، ۱۹۷۲م، ص ۹۵)؛ از این رو، برخی، از جمله امام خمینی عقیده دارند که اگر حکومت ذاتاً هدف و مقصود قرار گیرد، هیچ‌گونه ارزشی ندارد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۵۳). نظام حکومت چهارچوب خارجی برای تشریح هر دولتی است؛ این چهارچوب، الهام‌بخش ترسیم سیاست تشریحی است. بدیهی است این چهارچوب، حکایت از گرایش‌های عقیدتی، یا ماهیت، خصوصیات، عقاید دینی و ملی حاکم بر امت را دارد. پس ارتباط میان نظام حکومتی موجود با اهدافی که در پی تحقق آن است، ارتباطی حتمی و ضروری است (علی‌منصور، ۱۹۶۵م، ص ۳۴).

حکومت اسلامی

حکومت اسلامی حکومتی است که علاوه بر آنکه همه قوانین و مقررات اجرایی آن برگرفته از احکام اسلام است؛ مجریان آن نیز مستقیماً از طرف خدا منصوب شده‌اند، یا به اذن خاص یا عام معصوم (ع) منصوب گردیده‌اند.

دو رویکرد به مفهوم عزت

بشری که از معارف و حیانی محروم است، غالباً عزت در مقابل ذلت را - که همه از آن ادراک فطری دارند- فقط در تمکن مادی مانند ثروت، قدرت و... می‌بیند؛ چون جهانبینی‌اش فقط مادی است. اگر خداوند متعال از زندگی فردی و اجتماعی انسان حذف گردد، برای کسب چنین عزتی، هر راهی حتی به قیمت ذلیل شدن افراد و جوامع دیگر توجیه پیدا می‌کند؛ چون نگرش صرفاً مادی است و عزت را در ارتباط و حتی بعضاً تبعیت از مستکبرین و ظالمین بین‌المللی جستجو می‌کند؛ ابرقدرت‌هایی که با ظلم و استثمار ملت‌های ضعیف، تبدیل به قدرت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شده‌اند. اما در نگرش دینی به عزت، اولاً عزت فقط در اقتدار اقتصادی خلاصه نمی‌شود (گرچه لازم است) و منشأ عزت، عبودیت در تمام ساحات و شؤون زندگی فردی و اجتماعی است؛ که نتیجه نگاه توحیدی است. ثانیاً، راه‌های کسب، حفظ و گسترش عزت فردی و اجتماعی نیز، فرامین و نواهی الهی است؛ که از جمله آن‌ها، نهی از ظلم، اذلال خود و دیگران است. باید توجه داشت که این نهی، جنبه فقهی دارد نه این‌که توصیه‌ای اخلاقی باشد.^۵

عزت ولایی

هر کسی که مختصری با معارف اسلامی آشنا باشد می‌داند، که توحید بدون ولایت امکان‌پذیر نیست و محال است حرکت بر مدار توحید بدون التزام به ولایت باشد. در روایت آمده است: «الْإِمَامُ دَلِيلٌ لِلْقَاصِدِينَ وَ مَنَارٌ لِلْمُهْتَدِينَ وَ سَبِيلُ السَّالِكِينَ وَ شَمْسٌ مُشْرِقَةٌ فِي قُلُوبِ الْعَارِفِينَ وَ لَآئِيَةٌ سَبَبٌ لِلنَّجَاةِ وَ طَاعَتُهُ مُفْتَرَضَةٌ فِي الْحَيَاةِ وَ عُدَّةٌ بَعْدَ الْمَمَاتِ وَ عِزُّ الْمُؤْمِنِينَ وَ شَفَاعَةُ الْمُذْنِبِينَ وَ نَجَاةُ الْمُحِبِّينَ وَ فَوْزُ التَّابِعِينَ؛ امام راهنمای جویندگان و نشانی برای هدایت‌جویان، راه رهسپاران و خورشید درخشان دل‌های عارفان است. ولایت او سبب رستگاری و اطاعتش بر بندگان در دنیا واجب است و ذخیره آخرت بعد از مرگ است و عزت مؤمنین و شفیع گنه‌کاران و نجات دوستان و رستگاری پیروان خواهد بود. لَآئِيَةٌ رَأْسُ الْإِسْلَامِ وَ كَمَالُ الْإِيمَانِ وَ مَعْرِفَةُ الْحُدُودِ وَ الْأَحْكَامِ وَ تَبْيِينُ الْحَلَالِ مِنَ الْحَرَامِ، فَهِيَ مَرْتَبَةٌ لَا يَنَالُهَا إِلَّا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ وَ قَدَمَهُ وَ وُلَّاهُ وَ حَكَمَهُ؛ چون او رأس اسلام و کمال ایمان و عارف به حدود احکام و روشن‌کننده حلال از حرام است، این مقامی است که به آن نمی‌رسد، مگر کسی که خدا او را انتخاب کرده و مقدم داشته و به او ولایت و حکومت داده» است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵، ص ۱۶۹-۱۷۴).

^۵ . مراجعه شود به مباحث فقهی حرمت ظلم و استثمار، حرمت اذلال نفس و وجوب حفظ آبروی مؤمن و... .

وجود اولیای الهی به عنوان رهبر حق در حکومت اسلامی، مهم ترین عنصر برای عزت و پیشرفت جامعه اسلامی است؛ زیرا به حکم آیه «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»، خداوند بالعرض، عزت را در آن‌ها قرار داده است و ایشان راهنما و راهبر به سوی عزت و کمال مسلمین هستند. از سوی دیگر، خداوند در سوره طه آیه ۱۳۴، وجود پیامبر و رهبر را موجب عزت می‌داند: «وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِن قَبْلِ أَنْ نَذَلَّ وَنَخْزَى». در حقیقت، یکی از اهداف ارسال رُسل این است که اگر مردم رهبر حق نداشته باشند، دلیل می‌شوند؛ پس رهبری حق، باعث عزت است.

حال با توجه به اهمیت وجود رهبر برای رسیدن به عزت، براساس آیات «اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولی الامر منکم» (نساء، ۵۹) و «و ما ارسلنا من رسول الا ليطاع باذن الله» (نساء، ۶۴)، وظیفه مردم در جامعه اسلامی، امری جز تبعیت از رهبر نیست، تا در نتیجه این ولایت‌مداری، حکومت اسلامی به وجود بیاید و در سایه آن، عزت‌های گوناگون مورد نیاز جامعه اسلامی و مسلمین تأمین گردد. امام سجاد (ع) نیز می‌فرماید: «طَاعَهُ وَكَلَاهِ الْعَدْلُ تَمَامُ الْعِزَّةِ؛ اطاعت از ولی عادل، تمام عزت است» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۲۰).

نکته قابل توجه در این میان آن است، که تمام عزت‌های مضاف (عزت فرهنگی، عزت سیاسی و عزت اقتصادی)، در سایه توحید کامل، که رکن رکن آن ولایت است، قابل کسب و دستیابی است؛ همان‌طور که مشاهده می‌شود، تمام کشورهای مطرح دنیا که خارج از نظام ولایی که خداوند متعال تعریف کرده اداره می‌شوند، در حوزه عزت دچار بحران هستند. در مقابل، رهبران و صاحبان ولایت در جبهه حق، بیشترین تلاش را برای عزت هرچه بیشتر مسلمین و امت اسلامی انجام می‌دهند، که در ادامه، به گوشه‌هایی از این دغدغه‌مندی اشاره می‌شود.

عزت جامعه اسلامی

فهم عزت ملی، شبیه منافع ملی، امری لازم و ضروری است. همچنان که ملت‌ها به دنبال کسب و افزایش منافع و امنیت ملی خویش هستند، بسیاری از رفتارهای خویش را براساس عزت‌نفس پی‌جویی می‌کنند. عزت‌جویی یکی از انگیزه‌های بشری است. پس عزت ملی پیش از آنکه مقوله‌ای دینی باشد، مقوله‌ای عقلی و بین‌المللی است. هیچ ملت و دولتی تا حد توان، اجازه سلطه سیاسی را به دیگران نمی‌دهند (البته در باب فرهنگ و اقتصاد هم همین‌طور است)؛ ولی حساسیت نسبت به عزت سیاسی بیشتر است. رفتار مبتنی بر عزت ملی، صرفاً در سیاست خارجی ایران ریشه ندارد؛ بلکه بسیاری از بازیگران بین‌المللی، رفتار خود را بر این مفهوم استوار می‌کنند. نگاهی به جنگ ویتنام و مقاومت عزتمندانه ویت‌کنگ‌ها در مقابل سیاست‌های غیرعزتمندانه ویتنام جنوبی و پیروی از امریکا، همچنین، سیاست‌های شکل‌دهنده به عدم تعهد اندونزی، هند، غنا، مصر و یوگسلاوی در مقابل مصر در زمان انور سادات و حسنی مبارک، مؤید این موضوع است.

اسلام به دلیل تکامل منحصر به فرد خود، به منظور افزایش عزت و شرافت مسلمانان، خصوصیات را ترسیم کرده، که یکی از آن‌ها، کسب عزت ملی است. عزت ملی به معنای عدم احساس حقارت در آحاد ملت و احساس عزیز بودن است. این نگاه عزتمندانه به خود در بین مسلمانان، یکی از تأکیدهای مهم قرآنی نیز است. عدم عزت‌مداری یک ملت، به از دست رفتن عزت آن‌ها و دست‌اندازی استعمارگران به دارایی‌های مربوط به عزت و شرافت آن‌ها منجر می‌شود. در واقع می‌توان گفت، ارتباط دو سویه‌ای بین عزت ملی و سلطه بیگانگان وجود دارد.

اصل «عزت اسلامی»، در برابر اصل مادی‌گرا و اومانیستی، یعنی «غرور ملی» غرب قرار دارد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «ما نمی‌خواهیم عزت‌مان را با تکیه بر نژاد و ناسیونالیسم و حرف‌هایی که متأسفانه همه دنیا با تکیه به آن‌ها دور خودشان یک حصار می‌کشند، ثابت کنیم. فلان کشور اروپایی ثابت می‌کند که نژاد من برترین است. آن یکی می‌گوید نخیر، نژاد من برترین است ... نه ما برای خودمان، عزت را براساس اعتقاد و ایمان توحیدی که خاصیت و شاخصه تفکر اسلامی است و دل بستن به خدا و محبت به بندگان و خلائق الهی و لزوم خدمت به آن‌ها قائلیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۴/۱۸). اصل عزت در حاکمیت ارزش‌های اسلامی، عمل به دستورات دین، تقویت هنجارهای اخلاقی و تقوا تحصیل می‌شود که راهی برای وصول کامل بدان، جز تشکیل حکومت اسلامی وجود ندارد.

عزت سیاسی

استقلال و عزت سیاسی یکی از مهم‌ترین موضوعات مربوط به حاکمیت هر کشوری است. تأثیر حاکمیت سیاسی جامعه بر زندگی شخصی و اجتماعی افراد جامعه، انکارناشدنی است. بنابراین، حاکمیت سیاسی در اختیار هر جریانی قرار گیرد، نگرش و اندیشه‌های آن جریان، در جامعه بروز و ظهور پیدا می‌کند و به‌طور غیرمستقیم، افراد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. از ویژگی‌های بارز رژیم پهلوی، وابستگی آن به غرب و نداشتن استقلال و عزت سیاسی بود، امری که بر هیچ صاحب‌نظر سیاسی پوشیده نبوده و نیست. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، کشور ایران در طول تاریخ خود، کم‌تر طعم استقلال و عزت سیاسی را چشیده بود و عمدتاً به قدرت‌های استکباری خارجی، مخصوصاً انگلیس و بعد هم امریکا وابسته بود.

حکام و سلاطین جائر ایران، به علت مردمی نبودن حکومت‌شان و نیز نداشتن غیرت دینی و ملی، به راحتی و حتی بعضاً با افتخار، طوق ذلت، بندگی و سرسپردگی کشور به بیگانگان را بر گردن خویش می‌لنداختند. یکی از دستاوردهای عظیم تشکیل حکومت اسلامی در ایران، دستیابی به استقلال و عزت سیاسی بود. بدون شک، تداوم راه استقلال و عزت‌مداری انقلاب اسلامی، منوط به ظرفیت‌شناسی، تقویت مؤلفه‌ها و شاخص‌های عزت سیاسی است. از این روست که در این پژوهش، به برخی از آن‌ها که مهم‌تر به نظر می‌رسد، پرداخته می‌شود.

وحدت و تمسک به قرآن

بی‌شک، بشر در انجام کارهایش، نیاز به انگیزه دارد و در فعالیت‌های جمعی، هم‌انگیزه بودن و نزدیکی انگیزه‌ها، وحدت بیشتری ایجاد می‌کند؛ با وجود وحدت است که هم موانع زودتر مرتفع می‌گردد و هم مشکلات کار کم‌تر می‌گردد. یکی از شاخصه‌های عزت سیاسی وحدت نیروهاست، به‌ویژه که دشمن نیز از تمام توان خود استفاده می‌کند تا این وحدت را بشکند و به اهداف خود برسد. اباعبدالله الحسین صلوات الله علیه در یک تحلیل، موفقیت سیاسی بنی‌امیه در غلبه بر نیروهای وفادار به اسلام را معلول تفرقه می‌دانند و در خطابه مشهورش به شخصیت‌های سیاسی و دانشمندان اسلامی چنین می‌فرمایند: «مجاری امور باید به دست دانشمندان به احکام الهی باشد که امین خدا بر حلال و حرام او هستند؛ ولی شما این جایگاه را از دست داده‌اید و این بدین سبب است، که از حق جدا گشته‌اید و وحدت شما شکسته شده است» (حرّانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۳۸).

مقام معظم رهبری، یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین موانع احیا و بازیابی عزت و شرافت مسلمانان را، عدم اتحاد و یک‌پارچگی امت بزرگ اسلامی می‌دانند و یکی از راهکارهای اساسی در بازیابی این عزت از دست رفته و احیای آن را، تحکیم وحدت مسلمان و همچنین، تمسک به قرآن کریم برمی‌شمارند: «امروز دنیای اسلامی بیش از همیشه، به اتحاد و یک‌دلی و تمسک به قرآن نیازمند است». درواقع در نگاه ایشان، قرآن بزرگ‌ترین معلم بیداری اسلامی در جهت حفظ موجودیت و عزت اسلامی محسوب می‌گردد: «دنیای اسلام باید به فکر حفظ موجودیت اسلام و حفظ عزت امت اسلامی باشد. این، چگونه ممکن است؟ از راه قرآن» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۶/۲۶).

به اعتقاد مقام معظم رهبری، عدم ایمان و عمل به آموزه‌های قرآن می‌تواند، پاسخ این وضع آسف بار جامعه اسلامی و امت اسلامی در گذشته باشد، که متأسفانه ما به‌عنوان وارثان این وضعیت، به درد ایشان دچار شده‌ایم: «اسلام ثابت کرده است ظرفیت آن را دارد که امت خود را به اعتلای مدنی و علمی و عزت و قدرت سیاسی برساند. ایمان و مجاهدت و پرهیز از تفرقه، تنها شرط‌های تحقق این هدف بزرگ است و قرآن به ما می‌آموزد: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّا اللَّهُ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»؛ «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ». ضعف این سه عامل، امت اسلامی را امروز در وضع تأسف‌باری قرار داده است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۹/۱۸).

اتحاد و وحدت کلمه در همه سطوح آن، خود عاملی برای تجمیع قدرت درونی یک کشور و افزایش توان آن ملت در مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی نیز است. در اسلام و نظام اسلامی، مناسک متعددی وجود دارد که صحنه‌هایی از همبستگی و اتحاد جامعه اسلامی را به رخ جهانیان می‌کشانند؛ مانند مراسم حج هر ساله، نمازهای جمعه و جماعات، راهپیمایی‌های مناسبتی مانند راهپیمایی اربعین حسینی، انتخابات‌ها و...؛ که هر کدام جلوه‌هایی از عظمت، عزت و اقتدار مسلمین است و با بار روانی که در چشم دشمن ایجاد می‌کند، از قدرت نفوذ آنها می‌کاهد.

اما آسیب‌هایی، این مظاهر عزت و همبستگی اجتماعی را تهدید می‌کند؛ از جمله: عدم تبیین اهمیت، جایگاه، فواید و آثار این تجمعات مذهبی و ملی در بازدارندگی نفوذ دشمن؛ عدم جذابیت و نوآوری در نحوه برگزاری این مراسمات برای جذب بیشتر نسل جوان؛ برای بعضی از این مراسمات تقریباً هیچ کار تبلیغی و هنری انجام نمی‌گیرد، چون یک برنامه عادی و همیشگی که مخاطبان خاص خودش را دارد، تلقی می‌شود. فراتر از این موارد، ملاک اتحاد در اسلام، اعتقاد دینی و پایبندی به آن است؛ بنابراین، زبان، نژاد، رنگ، زمین و قومیت که از عوامل اختلاف‌اند و بیشتر به تشدید تفرقه می‌انجامند، در اسلام، محور وحدت نیستند؛ زیرا همه این عوامل، اموری قراردادی‌اند.

عدم عدول از اصول

از ویژگی‌های بارز سیاست و مسائل سیاسی، تغییر سریع شرایط و به دنبال آن، دگرگونی سریع و پرشتاب موضوعات سیاسی و موضع‌گیری در قبال آنهاست؛ به طوری که گاه در کم‌تر از یک نیم‌روز، به علت دخالت عوامل پیش‌بینی نشده و غیرقابل کنترل، اوضاع و شرایط تا ۱۸۰ درجه تغییر می‌یابد و سیاست‌مداران را با بحران تصمیم‌گیری مواجه می‌سازد. در این شرایط است که عده‌ای از رجال سیاسی از اصول لازم الرعایه عدول می‌نمایند و این کار خود را هم، هوشمندی و درایت سیاسی قلمداد می‌کنند؛ بدون اینکه توجه کنند، این عقب‌نشینی از اصول است؛ آنچه بدیهی است، هنر تصمیم‌گیری درست، به‌جا و به‌هنگام در بحران‌ها که مطابق با اصول باشد، حکایت از درایت و هوشمندی سیاسی می‌کند.

حضور در همه صحنه‌های تکلیف

مسلمانان باید بدانند که حضور و مشارکت مردمی در صحنه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، مظهر عزت ملی است. میزان مشارکت‌های گسترده عمومی به‌منزله میزان اعتماد عمومی به یک نظام سیاسی است، که از منابع تولید «سرمایه اجتماعی» برای عزت ملی نیز محسوب می‌شود. مسلمین باید مجاهدت در عرصه سیاست را برای حاکمیت دین و اجرای احکام آن، گسترش عدالت، برچیدن مظاهر فساد و... را، تکلیف خود بدانند و همان‌طور که در حوزه عبادات فردی، خود را مکلف می‌دانند، در این عرصه نیز خود را مؤظف بدانند که در هر شرایطی متناسب با آن، موضع‌گیری کنند و به تکلیف شرعی خود در این حوزه عمل نمایند و این یکی از ظرفیت‌های عزت دینی محسوب می‌گردد. حضور مؤثر در صحنه‌هایی سیاسی- مذهبی و نشان دادن صفوف به هم پیوسته و با صلابت مسلمین در برابر دشمنان اسلام، همه و همه مظهر وحدت و همبستگی، مایه عزت اسلام و مسلمین و سدّ محکمی در برابر نفوذ دشمنان است؛ چون باعث یأس دشمن و امید مؤمنان می‌گردد.

قدرت علمی

در جهان امروز، قدرت بازدارندگی و اقتدار یک کشور، دیگر محدود به ادوات نظامی و ثروت نیست؛ بلکه علم و دانش است که باعث اقتدار و تعیین‌کننده قدرت یک کشور است. در ساختار نظام استعماری گذشته، استیلای یک کشور بر دیگران، بیشتر از طریق زور و تهدید نظامی صورت می‌گرفت، که البته در آن هم دانش اثرگذار بود؛ اما در نظام ساختاری استعماری امروزه، تکنولوژی و علم است که یک کشور را بر دیگری غالب می‌کند و روش استیلای نوین استعمارگران از طریق علم و دانش است. براساس حدیث «العلم سلطان من وجده صال فمّن لم یجده صیل علیه» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۱۹)؛ علم موجب قدرت و عامل سروری است. اگر جامعه‌ای علم را کسب کند، می‌تواند راه نفوذ دیگران را سد کند و همچنین بر دیگران، برتری و تفوق خواهد داشت و می‌تواند بر سرنوشت دیگری اثرگذار باشد.

قدرت نظامی

قدرتمند شدن در عرصه نظامی به منظور دفاع از حمله دشمن و حتی بالاتر از آن، ایجاد ترس برای دشمن، سد نفوذی برای خطرات کافران است. خداوند در آیه ۶۰ سوره انفال می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ در واقع، دستور آماده‌باش همه‌جانبه مسلمانان در برابر دشمنان و تهیه هر نوع سلاح، امکانات و وسایل را می‌دهد که رعایت این دستورات، سبب هراس کفار از نیروی رزمی مسلمانان می‌شود. پیام‌های آیه بدین صورت است: آمادگی کامل رزمی و نظامی برای مسلمانان؛ هدف از آمادگی حفظ دین و عزت جامعه اسلامی؛ گسترش توانایی‌ها تا مرز تهدید دشمن؛ ضرورت حکومت و تأمین بودجه نظامی؛ باید تمام این آمادگی‌ها و انفاق‌ها و تلاش‌ها در راه خدا باشد (فی سبیل الله)، نه برای خودنمایی و ریاکاری؛ فشار دولت یا ملاحظات اجتماعی و همچنین، کمک نظامی و مالی در راه خداوند، از مصادیق انفاق محسوب می‌شود (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۱۶۲-۱۶۹).

جهاد در راه خدا

جهاد در راه خدا باعث سرکوبی دشمنان انسانیت و موجب سرافرازی اسلام و عزت آیین است: «و الجهاد فی سبيله فانه ذروه الاسلام» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۱۰). به عبارت دیگر خداوند متعال، جهاد را برای عزت اسلام قرار داده است؛ «و فرض الله الجهاد عزاً للاسلام» (همان، حکمت ۲۵۲). در حدیثی از رسول خدا (ص) نیز آمده است: «ذروه الاسلام الجهاد فی سبیل الله لایناله الا افضلهم؛ رفیع‌ترین چشم‌انداز اسلام، جهاد در راه خداست که جز بهترین مسلمان‌ها، به آن دست نیابند» (متقی هندی، ۱۴۰۱ق، خبر ۱۴۸۴). امیرمؤمنان (ع) در وصف جهاد می‌فرماید: «بعد از اعتقاد به اسلام، اشرف اعمال جهاد است که موجب قوام و استواری دین است و اجر عظیم دارد و در عین حال، با عزت و مناعت همراه است» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۵، ص ۳۷).

اگر در برهه‌ای از زمان، حکومت اسلامی با تهاجم دشمن مواجه شد، بدون تردید جهاد در راه خدا و مقابله با دشمنان دین، عزت دنیا و آخرت انسان و حکومت اسلامی را به همراه خواهد داشت. هم‌چنان‌که دفاع هشت ساله ایران در برابر تهاجم همه‌جانبه دشمنان، سرانجام به عزتمندی ایران منتهی شد.

عدم دل‌بستگی و وابستگی

وابستگی و دل‌بستگی به هر آنچه مادیات و دنیا محسوب می‌شود، عزت انسان را از بین می‌برد و انسان را به ذلت می‌کشانند. هرچه وابستگی انسان بیشتر باشد، ذلت او نیز افزون‌تر خواهد بود. این آسیب از جانب مسئولان جامعه اسلامی خطرناک‌تر است؛ چون «الناس علی دین ملوکهم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۲، ص ۷). نکته مهم در این میان آن است، که تمام ظرفیت‌ها و شاخص‌های عزتمندی که در باب عزت سیاسی بدان‌ها اشاره گردید، در بستر تشکیل حکومت اسلامی محقق می‌گردد.

عزت در عرصه روابط خارجی

در جهان امروز که کشورهای استعمارگر در پی نفوذ و سلطه هرچه بیشتر بر ممالک اسلامی‌اند، تشکیل یک حکومت قوی و مقتدر اسلامی بر مبنای آموزه‌های فقهی - سیاسی اسلام، سنگری محکم در برابر حمله‌ها و معیاری برای تعیین نحوه برخورد‌های سیاسی و موضع‌گیری‌های بین‌المللی است. از این‌رو که جهان‌بینی و مکتب، عامل مهمی در سیاست خارجی است؛ در سیاست خارجی حکومت اسلامی نیز، نقش دین اسلام، ارزش‌ها و اصول برآمده از آن و دیدگاه‌های دانشمندان و فقهای اسلامی، بر کسی پوشیده نیست. هم‌چنان‌که مؤلفه‌های ایدئولوژیکی و فرهنگی ممکن است در سیاست خارجی هر جامعه‌ای مؤثر باشد، هر حکومت اسلامی نیز در راستای تحقق ارزش‌های مکتبی و دینی، در چهارچوب و هدف‌های سیاست خارجی خویش گام برمی‌دارد.

چه بسا در قرآن مجید پس از عنوان جهاد، در سیاست خارجی حکومت اسلامی، بر هیچ موضوع سیاسی دیگری مانند نفی ولایت غیر مسلمانان بر مسلمانان تأکید نشده باشد. این، اصلی غیرقابل تغییر و حاکم بر روابط و سیاست خارجی حکومت اسلامی با دیگر کشورها محسوب می‌گردد. التزام به این اصل می‌تواند، راه نفوذ و سلطه کفار بر مسلمین و ضربه بر عزت و استقلال آنان در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... را ببندد (ر.ک: حقیقت، ۱۳۷۶، ص ۱۱۸).

مهم‌ترین هدف نفی و نهی دائمی سلطه کفار بر مسلمین و جوامع اسلامی، حفظ عزت، احترام و کرامت مسلمانان است. نزد خداوند متعال، اسلام، مسلمانان و جامعه اسلامی، بالاترین جایگاه را از حیث منزلت و عزت دارند؛ که مسلمانان و دولت‌مردان اسلامی نباید در مناسبات و روابط بین‌المللی خویش، آن را تضعیف نمایند؛ چون خداوند متعال در قرآن کریم (منافقون، ۸)، عزت مسلمانان و مؤمنان را هم‌ردیف عزت خود و پیامبر اعظم (ص) قرار داده است (ر.ک: دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۱).

بر مسلمانان فرض است که در جامعه جهانی، عزت خود را حفظ نمایند. از خودبیگانگی و مرعوبیتی که نظام استکبار طی قرن‌ها به مسلمانان القاء نموده، مهم‌ترین آفت عزت است که حساب‌شده و از روی برنامه، از سوی غربی‌ها برای مسلمانان طرح‌ریزی شده است. از وظایف اصلی ما مسلمانان است که در برابر دشمنان و کفار ذلیل نباشیم. عزت سیاسی، به معنی «الاسلام یعلو و لایعلی علیه، لن یجعل الله الکافرین علی المؤمنین سبیلاً» است. از این‌رو، عزت ملی یک راهبرد سیاست خارجی درون‌زا برای بازی در عرصه بین‌المللی و جایابی در هندسه جدید جهانی است. به اعتقاد مقام معظم رهبری، یکی از مهم‌ترین موانع کسب و بازیابی عزت در مظلومان به‌ویژه مسلمانان، وجود سلطه‌جویان و متجاوزان است؛ زیرا این‌گونه افراد و دولت‌ها به‌دلیل اهمیت قائل شدن برای منافع نامشروع‌شان، حاضر به پامال کردن عزت و شرافت انسانی مظلومان، به‌ویژه مسلمانان هستند. در حقیقت، ایشان معتقدند که یکی از اساسی‌ترین راهکارهای سلطه‌گران برای رسیدن به خواسته‌های خود، نابودسازی عزت و هویت انسانی و اسلامی است. از منظر ایشان، سلطه‌گران و مستکبران جهان می‌خواهند با مشغول کردن مسلمانان به جنگ و خون‌ریزی از یک طرف، مطرح کردن مباحث غیراصولی و ظاهری از طرف دیگر، عنصر عزت اسلامی یعنی اسلام را از بین مسلمانان برچینند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

استقلال و عدم وابستگی در همه ابعاد و حوزه‌های مربوط به حکومت‌ها و ملت‌های اسلامی می‌تواند، محصول قاعده نفی سبیل باشد. حکومت اسلامی در پرتو معارف دین مبین اسلام، نه حق دارد کاری کند که مورد ظلم واقع گردد، نه در پی سلطه بر ممالک دیگر است و نه سلطه دیگران بر خود یا بر جوامع دیگر (مستضعفان جهان) را می‌پذیرد. دیدگاه‌های اعتراضی - انتقادی امام خمینی نسبت به قدرت‌های سلطه‌گر تا پیروزی انقلاب اسلامی، بیشتر مربوط به کشور ایران بود؛ اما پس از آن، غالب موضع‌گیری‌های ایشان متوجه مستکبرین و استعمارگران ممالک اسلامی شد و در پی نفی استعمار خارجی و استبداد داخلی، در قلمرو جهان اسلام برآمد. ایشان بر این باور بودند که به وسیله روشنگری‌های خود بتوان، ملل مسلمان را بیدار و آنان را از سلطه قدرت‌ها رها کرد. ایشان تأکید می‌کردند: «ما امیدواریم که همه ملت‌های اسلام با بیداری و با توجه به پا خیزند و این دست‌های فاسدی که می‌خواهد همه ملت‌های اسلام را تحت سلطه ابرقدرت‌ها قرار بدهد، آنها را سر جای خودشان بنشانند» (امام خمینی، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص ۲۳۰).

به نوعی باید گفت که قاعده فقهی نفی سبیل که در بستر تشکیل حکومت اسلامی قابلیت اجرا پیدا می‌کند، توان این را دارد که هر نوع پیمان و قرارداد سلطه‌جویانه‌ای را بی‌اثر و مُلغی کند و در روابط خارجی اسلام، به‌مثابه حق و تو است. بدین ترتیب، قاعده نفی سبیل، یکی از اصول حاکم بر دیپلماسی و روابط بین‌المللی اسلامی در زمینه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... محسوب می‌گردد (ر.ک: شکوری، ۱۳۶۷، ص ۳۶۷). البته باید توجه نمود که قاعده مذکور، به هیچ‌وجه مانعی برای برقراری روابط با قدرت‌های برتر اقتصادی منطقه‌ای یا بین‌المللی نیست.

امروز رابطه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران با روسیه، چین و حتی اروپا، این نگرش را تأیید می‌کند؛ زیرا اولاً، اسلام آیین فطرت است و هرگز با احساسات انسانی و طبیعی بشر در تقابل نیست. ثانیاً، اسلام به این نکته اساسی توجه دارد که همواره در فضایی آرام و همراه با تفاهم، بهتر و بیشتر می‌شود حتی با مخالفان مکتبی خود به تبادل نظر پرداخت و معارف انسانی این دین الهی را به گوش آن‌ها رساند (ر.ک: حقیقت، ۱۳۷۶، ص ۱۸۵). سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت»، اصول محوری و ثابتی هستند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، براساس منویات راهبردی مقام معظم رهبری مانند بیانیه گام دوم، بر این سه اصل، بنا نهاده شده است. همچنین کلیه ارتباطات بین‌المللی و فصول سیاست خارجی، برنامه‌های توسعه کشور و سند چشم‌انداز بیست‌ساله ۱۴۰۴، بر این سه اصل استوار هستند. اهتمام به این سه مفهوم، از این حیث واجد اهمیت است که تشکیل‌دهنده و هدایت‌کننده سیاست خارجی کشورمان است. از این سه اصل، عزت در رتبه اول قرار می‌گیرد؛ زیرا اصولاً منطبق به انسان حکم می‌کند، کاری که در آن عزت حاصل نمی‌شود و حتی برعکس، خواری و ذلت را نصیب انسان می‌سازد، ارزش پیگیری ندارد؛ چه برسد به آنکه انسان برای آن برنامه‌ریزی هم نکند و تلاش و هزینه‌ای چندساله نیز به پای آن بریزد. لذا عزت در سیاست خارجی، جایگاه اول را از آن خود می‌کند و منافی که بدون لحاظ این اصل متعالی، تحصیل شود، زودگذر و موقتی است. ولی عزت و در نتیجه، هویتی که از این اصل برمی‌آید، همیشگی و پایدار است و قضاوت مثبت سایرین درباره یک کشور در صحنه نظام بین‌الملل را سبب می‌شود. عزت در این عرصه، با عمل به ارزش‌های دینی و انقلابی و تمسک به قانون اساسی و منویات ولی‌فقیه حاصل می‌شود.

بیانیه گام دوم انقلاب، بر مبنای «عزت، حکمت و مصلحت» در روابط بین‌المللی

مبانی فکری و عملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در چهارچوب اصل «نه شرقی، نه غربی»، منبث از اصل توحید و نفی قدرت‌های غیرالهی است و این اصل، در طول چهل سال گذشته منجر به شکل‌گیری نهضت بیداری اسلامی، براساس الگوی عزتمندی و مقاومت در برابر هرگونه سلطه‌طلبی شده است. تارومار شدن تروریست‌های تکفیری- وهابی در سوریه و عراق، مصداق آنچه مقاومت و بیداری اسلامی جمهوری اسلامی بر آن تأکید دارد، به‌شمار می‌رود. از طرفی، هرگونه مذاکره با رژیم‌های استکباری، فریبکار و بدعهد، از جمله امریکا را منتفی می‌داند. به صراحت می‌توان بیان داشت، که رمز پیروزی و پابرجا بودن انقلاب اسلامی که بر مبنای عزت‌طلبی و آزادی‌خواهی تمرکز دارد نیز، همین است. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب، خطاب به ملت ایران، نکات مهمی را ایراد فرمودند که در این میان، عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، از منظر معظم‌له مورد توجه ویژه قرار گرفته است؛ چنانچه در چهارچوب عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن فرموده‌اند: «این هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزت، حکمت و مصلحت» در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه ظهورند.

تحرك جديد نهضت بيدارى اسلامى براساس الگوى مقاومت در برابر سلطه امريكا و صهيونيسم؛ شكست سياست‌هاى امريكا در منطقه غرب آسيا و زمين‌گير شدن همكاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه سياسى جمهورى اسلامى در غرب آسيا و بازتاب وسيع آن در سراسر جهان سلطه؛ اينها بخشى از مظاهر عزت جمهورى اسلامى است كه جز با شجاعت و حكمت مديران جهادى به دست نمى‌آيد. سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پيشنهاده‌هاى آنها عموماً شامل فريب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ايران علاوه بر امريكاي جنايتكار، تعدادى از دولت‌هاى اروپايى را نيز خدعه‌گر و غيرقابل اعتماد مى‌دانند. دولت جمهورى اسلامى بليد مرزبندى خود را با آنها با دقت حفظ كند؛ از ارزش‌هاى انقلابى و مى خود يك گام هم عقب‌نشيني نكند؛ از تهديد‌هاى پوچ آنان نهراسد و در همه‌حال، عزت كشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حكيمانه و مصلحت‌جو يانه و البته از موضع انقلابى، مشكلات قابل حل خود را با آنان حل كند. در مورد امريكا، حل هيچ مشكلى متصور نيست و مذاكره با آن جز زيان مادى و معنوى، محصولى نخواهد داشت» (بيانيه گام دوم انقلاب). به بيان ديگر، آنچه مدنظر رهبر معظم انقلاب اسلامى است و بايد سرلوحه دستگاه ديپلماسى براى توسعه مناسبات بين‌المللى قرار گيرد اين است، كه هرگونه سلطه‌گرى و سلطه‌پذيرى در روابط بين‌المللى طرد شود و از مناسبات مبتنى بر سلطه، دورى گردد؛ اين امر در راستاى ايجاد و افزايش عزت و احترام ملت ايران در عرصه نظام بين‌المللى، تبين و طراحي شده است. همچنين صلح‌طلبى و رفتار مسالمت‌آميز با همه كشورها و ملت‌هاى ديگر در دستور كار دولتمردان قرار گيرد و تلاش براى برقرارى ثبات و صلح منطقه‌اى و بين‌المللى، از ديگر مواردى است كه بيش از گذشته بايد مورد توجه سردمداران باشد.

به طور اخص، دیپلماسی عزت‌مدار از نگاه رهبری به شرح ذیل است:

جدول ۱- دیپلماسی عزت‌مدار از نگاه رهبری (۱۳۹۳/۵/۲۲)

اهداف در همه سطوح باید دقیقاً مشخص باشد تا همه عناصر فعال در دیپلماسی در ستاد و صف، وظایف خود را به خوبی بدانند.	تعیین دقیق و صریح هدفها	
سازماندهی باید با نگاه به اهداف و با توجه به قابلیت‌ها انجام شود.	سازماندهی مناسب با توجه به اهداف دیپلماسی	
این ویژگی انسان را قادر می‌سازد، اهداف و حرکات طرف‌های مقابل را در مذاکرات و تعاملات پیش‌بینی کند و حرکات خود را با توجه به آنها، برنامه‌ریزی و عملیاتی سازد.	هوش دیپلماتیک	برخورداري از صلاحیت‌های دیپلماتیک
اگر مهارت دیپلماتیک به کار گرفته شود، بسیاری از تهدیدها می‌تواند به فرصت‌ها تبدیل گردد.	مهارت دیپلماتیک	
هرچه بر پابندی به اصول اسلامی و روش‌های آن بیشتر تأکید بورزید، موفق‌تر خواهید بود.	پایبندی عمیق و صادقانه به آرمان‌ها و اهداف	
ما هرچه در زمینه دیپلماسی تحرک‌مان بیشتر باشد، بهتر است ... هرچه حجم و کیفیت این تحرکات را بالا ببرید، بهتر است.	تحرک بالا	
آن دولتی می‌تواند در پشت میز مذاکره دیپلماسی حرف خودش را سبز بکند و به مقصود و نتایج مورد نظر خودش دست پیدا بکند که متکی باشد به یک اقتدار درونی، توانایی‌های درونی؛ حساب می‌برند از یک چنین دولتی.	اتکاء به نیروی درون‌زا	
دستگاه دیپلماسی هم می‌تواند روحیه بسیجی داشته باشد. اگر این شد، پیروزی حتمی و سریع خواهد شد.	برخورداري از روحیه بسیجی	

استقلال در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی: براساس آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱)؛ از آن‌رو که کلمه سبیل به اصطلاح، نکره در سیاق نفی است و معنی عموم را می‌رساند؛ از آیه استفاده می‌شود که کافران از نظر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... خلاصه در هیچ بُعدی بر مؤمنان نباید چیره شوند. جامعه و دولت اسلامی باید از هر کاری که راه نفوذ کافران و بیگانگان را برای سلطه بر مسلمانان هموار کند، خودداری کنند. همچنین در آیه ۶۰ سوره انفال آمده است: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ مفسران «قوه» را به مفهوم عام در نظر گرفته‌اند؛ بدین معنا که در جامعه اسلامی از قدرت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی که آن‌ها نیز در مفهوم قوه نهفته هستند و نقش بسیار بسزایی در پیروزی بر دشمن دارند، نیز نباید غفلت کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۲۳). علاوه بر آن، از آیات مربوط به عزت مسلمانان (نساء، ۱۳۹؛ فاطر، ۱۰)، وصف جامعه اسلامی با جمله «فَاسْتَعْلَظْ فَاسْتَوَى عَلَي سَوْقِهِ» که به معنای نیرومندی و بر پای خود ایستادن (فتح، ۴۸، ۲۹) و عدم سلطه کافران بر مسلمانان است (ر.ک: آل‌عمران، ۲۸، ۱۱۸؛ مائده، ۵۱ - ۵۲)، لزوم استقلال در عرصه‌های مختلف برای مقابله با نفوذ کافران که موجب ذلت مؤمنان و سلطه بر ایشان است، استفاده می‌شود.

نتیجه‌گیری

عزت، مطلوب فطری و عقلی هر فرد و جامعه‌ای است. نفی حاکمیت نفوذ یا سلطه بیگانگان در قلمرو هر قوم و قبیله یا هر ملتی، از گذشته در میان جوامع مطرح بوده است و افراد هیچ کشوری با توان و نیروی لازم برای دفاع از کیان خویش، دخالت غیر را در سرنوشت و امور خود بر نمی‌تابیده‌اند. دین مبین اسلام نیز نسبت به عزتمندی در بعد فردی، اجتماعی و سیاسی، تأکیدهای ویژه‌ای دارد. یکی از آموزه‌های مهم اسلامی در این خصوص که کم‌تر با این کارکرد به آن نگاه شده، لزوم تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت و اجرای فرامین ولی جامعه (مانند بیانیه گام دوم انقلاب) است. قطعاً یکی از اهداف مهم تشکیل نظام اسلامی، حفظ و ارتقای عزت مسلمین و جامعه اسلامی، در سایه عمل به اجرای فرامین و دستورهای الهی است. از این‌روست که در بیانیه گام دوم انقلاب تأکید شده است و در حال حاضر کشور ایران، ملت و کشوری مستقل و با عزت دارد که محصول انقلاب و نتیجه‌گیری‌های انقلابی و جهادی است. لذا، انقلاب و اهداف و آرمان‌های آن در بحث عزت، هم طریقی است و هم موضوعیت دارد.

اندیشمندان و فقهای اسلامی برای حفظ کیان اسلام، عظمت و عزت مسلمانان و همچنین جامعه اسلامی، با استناد به آیات عزت و آیه نفی سبیل در قرآن کریم و روایات معصومان (ع)، قاعده فقهی‌ای را تحت عنوان قاعده نفی سبیل استنباط کرده‌اند. براساس این قاعده، راه هر نوع سلطه و نفوذ کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... باید سد گردد.

تشکیل حکومت اسلامی و در ادامه، التزام به بیانیه گام دوم انقلاب که چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی است، نقش پایدار و اثرگذاری بر رفتار، تصمیمات و سیاست‌های کلان نظام اسلامی، از جمله در روابط خارجی دارد. نفی ظلم و ستم بر مردم مسلمان، حفظ استقلال و نفی وابستگی آنان نسبت به بیگانگان و حفظ عزت مسلمانان در روابط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، شالوده و اساس حکومت اسلامی است، که همه مسئولان نظام اسلامی باید به آن توجه داشته باشند. مفاد این بیانیه از سویی بیانگر مقاصد کلان شریعت است و از سویی دیگر، جهان‌بینی عزتمندی و استقلال‌طلبی را به ارمغان می‌آورد. براساس اندیشه‌های امام خمینی لزوم توجه به اصل عزت در سیاست‌گذاری‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و عقیدتی دولت اسلامی، ضروری و بایسته است. ضرورتی که خود مبین دو تکلیف برای دو گروه از جامعه است؛ از سویی متولیان سیاست‌گذاری‌های کلان جامعه را بر لزوم توجه به این اصل فرا می‌خواند و از دگر سو، ضمن یادآوری منطق اسلام، به تحلیل‌گران سیاست‌های دول اسلامی تأکید می‌کند که سنجش و ارزیابی سیاست‌ها بر اساس این اصل و مقتضای آن باشد.

دست‌آورد نوآورانه پژوهش حاضر این است، که ضمن مقایسه رویکرد دینی و غیردینی به مقوله عزت، به ویژه در بعد اجتماعی، به تبیین و تحلیل حفظ و ارتقای عزت دینی افراد و جامعه اسلامی در بستر تشکیل حکومت اسلامی (در عصر غیبت) پرداخت. با تحلیل علمی عزت در عرصه‌های مختلف (ولایی، جامعه اسلامی، سیاسی و روابط خارجی) این نتیجه مهم و جدید حاصل می‌گردد که یکی از مبانی فقهی و عقلی لزوم تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت که تاکنون به آن توجه نگردیده، تأمین و توسعه عزت دینی است، همچنان‌که جزء کارکردهای بسیار مهم حکومت اسلامی نیز محسوب می‌گردد. از منظری دیگر، این پژوهش بُعد مهم دیگری را مورد توجه قرار داده که در تمدن نوین اسلامی، کم‌تر به آن پرداخته شده و آن، حفظ و ارتقای عزت است که در نوع خود، پژوهشی بنیادی محسوب می‌شود.

منابع

قرآن کریم.

- نهج البلاغه. تحقیق صبحی صالح. قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۳). *دانش نامه سیاسی*. تهران: مروارید.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ق). *شرح نهج البلاغه*. قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، ج ۲۰.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ الف). *توحید در قرآن*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ ب). *سیره پیامبران در قرآن*. قم: نشر اسراء.
- حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. ترجمه علی اکبر غفاری. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۷۶). *مسئولیت های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- خامنه ای، سید علی (۱۳۹۱/۳/۱۴). *بیانات در مراسم بیست و سومین سالگرد امام خمینی*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۹۹۹۶>
- خامنه ای، سید علی (۱۳۷۰/۴/۱۸). *بیانات در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۴۷۱>
- خامنه ای، سید علی (۱۳۷۶/۹/۱۸). *بیانات در آغاز هشتمین اجلاس کشورهای اسلامی*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۸۶۳>
- خامنه ای، سید علی (۱۳۹۳/۰۵/۲۲). *بیانات در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۸۱۶۲>
- خامنه ای، سید علی (۱۳۸۳/۶/۲۶). *بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۲۴۹>
- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸). *ولایت فقیه*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۰). *صحیفه نور*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۲.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: سمت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ قرآن*. دمشق: دارالقلم.
- شکوری، ابوالفضل (۱۳۶۷). *فقه سیاسی اسلام*. قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۶۲). *خصال*. ترجمه علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲.
- علی منصور، علی (۱۹۶۵م). *نظم الحکم و الاداره فی الشریعه الاسلامیه و القوانين الوضعیه*. القاہره: مطبعه مخیمر.

- فضلی، عبدالهادی (۱۹۷۲م). *فی انتظار الامام*. بیروت: دارالزهراء.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق). *اصول کافی*. ترجمه علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۵، ۱.
- متقی هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۰۱ق). *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*. بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۲۵، ۱۰۲.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۷). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (اصول و مسائل)*. تهران: نشر دادگستر.
- مصطفوی، سید حسن (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، ج ۳.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *آشنایی با قرآن*. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۷.